

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۰۲ جنوری ۲۰۱۳

اسنادی از دومین کنگره سازمان انقلابی افغانستان

۲

گزارش فعالیت سازمان از کنگره مؤسس تا دومین کنگره

سازمان انقلابی افغانستان دومین کنگره خود را در نبود رفیق پاغر رهبر و بنیانگذار سازمان برگزار می نماید. ما در اعلامیه ای به مناسبت درگذشت این انقلابی کمونیست نوشتیم که رفیق پاغر در زندگی پرافتخارش، نمونه ای از یک انقلابی واقعی و یک رهبر فداکار بود؛ هنوز چند سالی از ایجاد سازمان انقلابی افغانستان نگذشته است اما درایت، استواری، فداکاری، وفاداری به انقلاب و خدمت به توده ها و فهم سیاسی - تشکیلاتی او باعث گردید تا سازمان ما در مدت بسیار کم به سازمان مطرح در جنبش چپ انقلابی افغانستان مبدل گردد. فعالیتی را که رفیق پاغر در پنج سال گذشته برای جنبش چپ انقلابی انجام داد، بی نظیر و بی مانند است. سازمان ما زیر رهبری رفیق پاغر در مدت بسیار کم با تشکیلات منضبط و زیرزمینی به سازمان قوی مبدل گشت و از لحاظ کمی و کیفی رشد قابل ملاحظه ای نمود. کاری را که سازمان انقلابی افغانستان تحت رهبری رفیق پاغر به خاطر بلند بردن سطح آگاهی و تغذیه تیوریک اعضای سازمان و جنبش انجام داد، بیشتر از کار آن سازمان های مدعی مبارزه است که بیش از سه دهه از ایجاد آن ها می گذرد.

کنگره مؤسس سازمان انقلابی افغانستان رفیق پاغر را با رأی اکثریت به رهبری سازمان انتخاب نمود و او تا آخرین لحظات زندگی اعتماد رفقاء را با کار و مبارزه خستگی ناپذیر، با دفاع قاطع از اصول مارکسیزم - لنینیسم - اندیشه مانوتسه دون، با مبارزه علیه امپریالیسم، دولت پوشالی و ستمگران داخلی و خارجی و سمت و سو دادن سازمان حفظ کرد. با درگذشت رفیق پاغر، کمیته مرکزی سازمان با نشست اضطراری، مسؤل موقت سازمان را تا زمان برگزاری کنگره با رأی اکثریت اعضای کمیته مرکزی تعیین نمود. و اینک کمیته مرکزی سازمان چگونگی کار سازمان را در میان دو کنگره در ابعاد مختلف به دومین کنگره ارائه می نماید:

۱. کار تیوریک - سیاسی: سازمان انقلابی افغانستان با در نظر داشت رخوت تیوریک جنبش چپ افغانستان که سبب دلمردگی، یأس، نومیدی و انحرافات گوناگون تیوریک شده است، تلاش کرد که با کار تیوریک منسجم، پیگیر و به وقت، از یک طرف تا حدی به رفع تشننت تیوریک کمک کند و از طرف دیگر جنبش را با این کار تکان داده، شور و شوق انقلابی را میان اعضای جنبش ایجاد نماید. به همین منظور، سازمان در میان دو کنگره، در حد توانش به کار تیوریک پرداخت.

بر اساس فیصله کنگره مؤسس سازمان، «به پیش» به عنوان ارگان تیوریک - سیاسی سازمان تعیین شد و به کمیته مرکزی سازمان وظیفه سپرده شد تا با در نظر داشت نیازهای تیوریک و سیاسی جنبش، در این راستا کار نماید. از همین رو سازمان تا زمان برگزاری کنگره دوم، سه شماره «به پیش» را به منظور تغذیه تیوریک به نشر سپرده است: - اسنادی از کنگره مؤسس سازمان انقلابی افغانستان (به پیش شماره اول): در این شماره، سازمان گزارش برگزاری کنگره، مثنی سازمان و جمع بندی از جنبش چپ را ارائه کرد و آن را به دسترس افراد معدودی از جنبش چپ گذاشت. «به پیش» اول، ضمن ارائه مثنی سازمان؛ اشتباهات، کمبودها و انحرافات جنبش چپ کشور را مورد بررسی قرار داد و وضعیت سیاسی کلی کشور و مثنی سازمان را منعکس ساخت.

- جامعه جهانی یا امپریالیست های خونخوار؟ (به پیش شماره دوم): با در نظر داشت این که کشور ما به وسیله امپریالیست ها اشغال شده است و تیوریستین ها و مبلغان این اشغال، آن را «حضور جامعه جهانی» در کشور ما دانسته و شماری این حضور را نیاز کشور ما می دانند، لذا سازمان انقلابی افغانستان بر آن شد تا ضمن تشریح و ماهیت امپریالیسم و نقاب دروغین «جامعه جهانی»، به ستراتیژی غارتگرانه امپریالیست ها در افغانستان و جهان بپردازد، موضع گیری طیف های گوناگون را در این باره مورد بررسی قرار دهد و نظر منسجم یافته تر سازمان را در مورد امپریالیست ها بیان نماید.

- تحلیل طبقات جامعه افغانستان (به پیش شماره سوم): سازمان انقلابی افغانستان، برای این که وضعیت کنونی جامعه را بهتر تحلیل و ارزیابی کند و در پرتو آن دوست و دشمن خلق را تشخیص نماید، به کار بزرگ تحلیل طبقات جامعه افغانستان دست زد. تهیه این نوشته در تاریخ جنبش چپ ما بی سابقه بوده به خصوص در اوضاعی که رگه های از افکار انحرافی «شبه تروتسکیستی» به نحوی از انحاء در جنبش ما راه یافته است، نیاز مبرم انقلابیون کشور ما را می ساخت. این شماره از سوی سازمان به زبان انگلیسی نیز ترجمه گردید.

در کنار نشر سه شماره «به پیش»، سازمان کتب و نوشته های ذیل را تهیه و در دسترس انقلابیون قرار داده است: تاریخ، نبرد طبقاتی: در این مورد سازمان انقلابی افغانستان قبلاً نوشته است: «تاریخ، نبرد طبقاتی» نبرد طبقات زحمتکش علیه طبقات حاکم را به تصویر می کشد. نوشتن چنین تاریخی، نیاز اساسی کشور ما را در شرایطی می سازد که امپریالیست های خونخوار با طبقات بورژوا کمپرادور و ملاکان ارضی هر روز طبقات محکوم را بیشتر از پیش سلاخی می کنند. سازمان انقلابی افغانستان با درک رسالت تاریخی خود برای نخستین بار تاریخ معاصر افغانستان را از دید طبقاتی ارائه می نماید تا نقش سازندگان واقعی تاریخ را در روند پر فراز و نشیب تاریخ برجسته سازد که شماری از نویسندگان مرتجع آن را به پای عفریت استبداد و استعمار کرده زده و مسخ کرده اند.

سازمان انقلابی در این نوشته تلاش نموده است که واقعیت دو طرف را در این روند و نبرد طبقاتی آنطوری که بوده و است، نشان دهد، زیرا معتقد است که تاریخ نبرد طبقاتی است و در این مقابله دو طرف نبرد یکی در برابر دیگر تیغ و تلوار می کشند. ما کاروانی ها، استبدادگری ها، چپاول های طبقه حاکم و فقر و استثمار جانب مقابل را به نمایش گذاشته ایم که امیدواریم توانسته باشیم کاری برای زحمتکشان و حرفی برای انقلابیون داشته باشیم.» کار ترجمه انگلیسی این اثر ماندگار به وسیله سازمان ادامه دارد که در آینده نزدیک به دسترس جنبش چپ انقلابی جهان قرار داده خواهد شد. این کتاب مورد توجه رفقای جنبش و سایر رزمندگان عزیز قرار گرفته، که ما قسمت هائی از دو نمونه آن را نقل می کنیم:

رفیق دیلوم انجنیر نسرین معروفی: «تاریخ، نبرد طبقاتی: عنوان کتابیست که با نیرو و اراده مبارزاتی مؤرخ، شاعر، نویسنده و همکار قلمی پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان»، زنده یاد رفیق پاغر نگاشته شده است. ویراستاری و انتشار آن به ابتکار و جانفشانی سازمان انقلابی افغانستان با صحافت خاص، توأم با تصویر پوش این اثر ارزنده، تمثالی

است از نبرد طبقاتی... موضوع «تاریخ، نبرد طبقاتی» این اثر ارزشمند که بازتابی از تاریخ چند قرن افغانستان، سرزمینی که نظر به موقعیت جغرافیایی و ستراتیژی آن به حیث قلب آسیا همیشه مورد تهاجمات و تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته، می باشد. اهمیت این سرزمین را عبور و مرور مدنیت های مختلف که اهمیت آن را در سیر تاریخ روشن می سازد، بیان می کند. این کشور در بطن جریانات بزرگ تاریخی، دیده می شود که همواره با تحولات گوناگون پر از حوادث و ماجراها، حملات و ویرانی ها، دهشت و وحشت، چور و چپاول، جنایت و خیانت، جاسوسی و خودفروختگی و... دست و پنجه نرم کرده است. این همه فجایع ارمان دشمنان تاریخی مردم ماست بر ستمدیدگان در بند این مرز و بوم که زیر بار سلطه نظام های مختلف جولانگاه شاهان خودکامه، بی کفایت و نوکر اجنبی، انحصارطلبی تاج و تخت خاندان طلائی و دیکتاتوری خاندانی، جنایات باند جنایتکار و خاین حزب «دموکراتیک خلق»، حاکمیت نیروهای طبقات ارتجاعی اسلام سیاسی اعم از جهادی و طالبی با استبداد فرهنگی ارتجاعی استعمارگران بی آرم شرقی و غربی بوده که تا امروز استعمار نوین با حامیان خارجی و داخلی شان به حیث یکه تاز متجاوز دست به دهها توطئه می زند و با ریختن جوی های خون در کشور ما افغانستان، در صدد اند حاکمیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی خود را بالای خلق ستمدیده و به خاک و خون خفته آن، برقرار نماید.

همه این فجایع دردناک و ددمنشی لکه ننگی است که بر پیشانی حکمرانان، شاهان، و رؤسای جمهور، ارتجاع و حامیان جنایات شان حک گردیده و تا مؤرخان مبارز و آزادیخواه از سنخ زنده یاد پاغر و همکاران و همزمانش در سازمان انقلابی افغانستان و خارج از آن وجود دارند، هرگز نمی گذارند که نام ننگین، و دستان آلوده به خون خلق های رنج دیده، ستم کشیده و به خاک و خون خفته مردم ما، از صفحات تاریخ کشور ما افغانستان زوده شده و به فراموشی سپرده شوند.

این اثر تاریخی بیانگر استثمار اقتصادی، فرهنگی و سرکوب بی امان قشر بی بضاعت دهقانان از جانب خان ها، اربابان و زمینداران کوچک و بزرگ، و بعداً با تمرکز سرمایه به دست قشر محدود جامعه یعنی سرمایه داران می باشد. تحلیل و استدلال مؤلف از پدیده های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر تحقیقات علمی و برخورد واقع بینانه می باشد. وی با رعایت التزام و تعهد مبارزاتی در راه آزادی خلق های در بند، اعتقاد وی به قضاوت عادلانه از وقایع تاریخی، سیاسی و... آزاد از قید و بندهای دنیای شاهان و شاهزاده ها، استعمارگران، استثمارگران، ستمگران و مرتجعان، حقانیت بخشیدن به تاریخ مبارزاتی خلق های سلحشور و آزادیخواه افغانستان و انطباق آن با واقعیت های عینی جامعه، معرفی نهادها و سازمان های مبارزاتی و جنبش مقاومت ضد روسی، رسائی ها، نارسائی ها، توانائی ها، زبونی ها و محدودیت ها، اشتباهات آن ها و... در طرح مسایل و آنچه اتفاق افتاده نه فقط از یک جنبه بلکه از جنبه های مختلف مورد ملاحظه و مذاقه قرار داده است. این ها ویژگی های برجسته دوران تاریخ چند قرن ماست که نویسنده مبارز و با درد افغانستان زنده یاد پاغر و همزمان و همسنگرانش به رشته تحریر در آورده اند.

در اخیر با تذکر از افکار گرانبها و ارزشمندی که در این اثر نگارش یافته، جرأت و جسارت، فصاحت و بلاغت و موقف قاطع و همه جانبه این همزمان انقلابی را در قبال جریانات تاریخی و سیاسی ارج باید گذاشت، چه آنها توانسته اند مسؤلیت بس بزرگی را جهت گسترش افکار آزادیخواهانه و انقلابی برای همه افغان های آزاده به خصوص نسل های آینده کشور که مسؤلیت بس عظیمی را در قبال حصول استقلال و آزادی انسان در بند آن دارند، انجام دهند. این قلم را عقیده بر آن است که با به کار بستن چنین شیوه ها و برخوردهای قاطع، ارزیابی همه جانبه از مسایل تاریخی، سیاسی و... سازمان انقلابی افغانستان و سایر نیروهای رزمنده قادر خواهند شد جوانان را به اوضاع تاریخ پر ماجرای گذشته و حوادث خونبار فعلی که در کشور ما افغانستان جریان دارد، آشنا بسازند.

سازمان انقلابی افغانستان با پخش این اثر ارزشمند توانسته است مسؤولیت انسانی وجدانی و مبارزاتی خود را در قبال تاریخ کشور و خلق ستمدیده و به اسارت کشیده آن در حد توان و در مقطع کنونی انجام دهد.

در اخیر این اثر جاویدان، «تاریخ، نبرد طبقاتی» مبارزه در مسیر مقاومت ملی و جهتگیری انقلابی علیه اشغالگران و نابودی سیستم استثمار و سرنوشتی نظام ضد بشری و همچنان پایان دادن به نظام های طبقاتی جامعه را که حاکم بر سرنوشت خلق های افغانستان است با تکیه به نیروی لایزال خلق های ستمدیده جهان تأکید می نماید. جهانی را که امپریالیسم آرزومند به غارت کشیدن و تقسیم مجدد آن بین نیروهای استعماری است و صرف می توان با ایمان به مبارزات مسلحانه زحمتکشان و ستمدیدگان علیه آن رزمیده به امپریالیسم و ارتجاع فهماند که چنین آرزویی را به خود به گورستان سرمایه خواهند برد...»

داکتر میر عبدالرحیم عزیز: «شاد روان پاغر و «سازمان انقلابی افغانستان» یکی از بزرگترین کتب تاریخ مین را به کلیه مبارزان راستین، انقلابیون و ملی گرایان واقعی کشور پیش کش می کند. جای این کتاب تا حال خالی بود. هیچ مؤرخ تا ایندم از خود شهادتی بروز نداده تا تاریخ کشور را در بُعد طبقاتی آن بنویسد و مورد ارزیابی قرار دهد. عده ای از مؤرخین به ستایش رهبران ضد ملی و وابسته به اجانب پرداخته و عده دیگر هم تاریخ را از دیدگاه های تاریک و تعصبات دینی؛ نژادی و قومی به ذوق و سلیقه خاص خویش به رشته تحریر درآورده و چند صفحه ای را سیاه کرده اند. این اثر انقلابی توانسته این خلای بزرگ تاریخی را بالاخص در این لحظاتی که قشر عظیمی از انقلابی نمائیان مضحک و ملی گرایان متقلب در تار عنکبوت استعمار گیر افتاده اند، پر کند.

تاریخ نگاری با همه کم و کاستی هایش، سابقه طولانی در کشور ما دارد. اما در مجموع نبود مباحث تیوریک به ارتباط حوادث تاریخی و فقدان تحلیل سیستماتیک جریانات تاریخی، آثار اکثر مؤرخین را برای منتقدین به سهولت آسیب پذیر ساخته است. اکثر مؤرخین ما نتوانسته و یا نخواسته اند رابطه بین رشد و تکامل علم تاریخ و گسترش مباحث نظری و عقلی تاریخ را پیوند دهند. طیف دیگری از مؤرخین، تاریخ را آزمایشگاه عملکرد نیروهای فوق طبیعت دانسته و نقش نیروهای واقعی چرخ دهنده تاریخ را نادیده انگاشته اند. همین جاست که کتاب «تاریخ، نبرد طبقاتی» وارد کارزار می شود و این خلای عظیم در تاریخ کشور را تا جائیکه شرایط سیاسی کشور و توانائی علمی و دماغی نویسنده و نویسندگان اجازه داده، پر می کند.

تاریخ نگاری صرفاً توصیفی و نقلی به درد توده های عظیم مردم ما نمی خورد، مگر این که با دلیل و برهان و تحلیل علمی حوادث همراه باشد. آگاهی از تاریخ و فهم بحران های سیاسی و اجتماعی گذشته، بررسی کارنامه سیاه قشر حاکم زورگو، درک موفقیت ها و شکست های اقشار و طبقات روشنفکر و مبارز در رویارویی با حاکمان داخلی و حامیان اجنبی شان، افشای خیانت خاینان به کشور و پی بردن به عملکرد امپریالیسم ایجاب می نماید تا تاریخ را عمیق تر نسبت به گذشته مطالعه نمود. این را هم باید دانست که تاریخ تنها و تنها توضیح اعمال امپراتورها، شاهان و قهرمان پرستی های تهوع آور نیست که امروز عده ای از مؤرخین چهره سیاه و کاسه لیسان ارتجاع در آن منهمک اند.

تحلیل و ارزیابی تاریخ بدون تعصب و کتمان، ما را به سوی درک واقعی رسالت مردمی رهنمون می کند و راه منطقی فهم تاریخی را به ما نشان می دهد. درست همین نکته است که شاد روان «پاغر» و «سازمان انقلابی افغانستان» در راستای انجام رسالت خود در تدوین «تاریخ، نبرد طبقاتی» گام جدیدی را در پهلوی تحقیقات متداول برداشته و تاریخ کشور را به نحوی علمی و سیستماتیک آن مورد کاوش و ارزیابی قرار داده اند. این اثر دور از تعصبات قومی، نژادی، مذهبی و سمتی به رشته تحریر درآمده و اقامه می نماید که در هر دوری از پادشاه گردشی، این کتله های عظیم مردم بوده اند که مصیبت را بیشتر متحمل شده بدون این که سهم مثبتی را نصیب گردیده باشند. توده ها چرخ دهنده تاریخ بوده اند اما نسبت تسلط و حاکمیت سیستم «ارباب - رعیتی»، نتوانسته اند که از مبارزات خویش بهره گیرند.

«تاریخ، نبرد طبقاتی» حاکمیت فیودالیسم و سیستم بیرحمانه بهره کشی «ارباب - رعیتی» نیمه دوم قرن ۱۸ و تمام قرن ۱۹ و جوانه های سرمایه داری قرن ۲۰ و حوادث دهه اول قرن ۲۱ افغانستان را با وضاحت کامل تشریح نموده و خواننده را در کل به ماهیت ضد انسانی - طبقاتی نظام فیودالی و مابعد آن آشنا می سازد. این اثر ارزشمند بیان می کند که امیران فاسد (فیودال های اول) برای بقای خود و تداوم نظام فاسد فیودالی چطور خود را در نوکری و چاکری اجانب قرار داده و با استفاده از حاکمیت سیستم فیودالی، دهقانان و زحمت کشان را به بازیچه می گرفتند که این حالت تا اکنون هم به اشکال مختلف ادامه یافته است.

کتاب «تاریخ، نبرد طبقاتی» قانونمندی تاریخ افغانستان را در سیر تاریخی آن به درستی تشخیص و با دقت لازم مورد ارزیابی قرار داده است. این کتاب در شناخت تحولات کشور، عوامل مؤثر در وقایع تاریخی و در مجموع قوانین عمومی حاکم بر رشد و توسعه جامعه قرون ۱۸، ۱۹ و ۲۰ افغانستان معلومات قابل ملاحظه ای در اختیار محققین قرار می دهد. من پیشنهاد می نمایم که محققین باید روش تحقیقاتی این کتاب را در مطالعات و ارزیابی حوادث تاریخی کشور به کار ببندند تا دور از تعصبات نژادی، مذهبی، زبانی و قومی بتوانند عمیقتر و منصفانه تر علت و معلول تاریخی را بکاوند و مطالعه تاریخ افغانستان را از حالت مکانیکی آن خارج سازند...

نوشته های «دیالکتیک حرف و عمل»، «کمک های امپریالیستی، استفاده تاکتیکی یا همگام شدن با امپریالیست ها؟»، «حزب» کمونیست (مائویست) افغانستان، از ورشکستگی تیوریک تا فلاکت پراتیک»، «مسأله مالی؛ بحث مهم ایدئولوژیک»، «ما چرا انشعاب کردیم؟»، «پیوند با انجوایزم، گسست از مارکسیزم»، «خاین کیست، مبارز چه کیست؟» (دری و پشتو)، «افغانستان به کجا می رود؟» (دری، پشتو و انگلیسی)، «دیدار سازمان انقلابی افغانستان با حزب متحد کمونیست نیپال»، «گزارش نخستین کنفرانس کنگره موسس سازمان انقلابی افغانستان»، «اکرم یاری، مبارز اندیشه و عمل»، «رفیق احمد، رهبری از تبار زحمتکشان افغانستان»، «رفیق مجید رهبر محبوب زحمتکشان افغانستان» و جزوه «پیام ها به مناسبت در گذشت رفیق پاغر» در این مدت منتشر شده است.

در همین حال سازمان مواضع سیاسی خود را در قبال حوادث داخلی و خارجی در اعلامیه ها و پیام های آتی بیان کرده است:

«با شعار مرگ بر اشغالگران، نود و سومین سالگرد استقلال کشور را تجلیل نمائیم» (دری، پشتو و انگلیسی)، «امپریالیست های امریکائی و ناتو خلق سوریه را سلاخی می کنند؛ با همبستگی با خلق سوریه، این جنگ استعماری را تقبیح نمائیم!»، «اول می، بر کارگران سراسر جهان مبارک باد!»، «بریده باد دستان اشغالگران!»، «هشتم مارچ، روز زنان زحمتکش را گرامی می داریم!»، «سوم حوت، روز رستاخیز توده ها علیه اشغالگران گرامی باد!»، «فقط با اتکاء به بازوی توده ها می توان پوزة اشغالگران را به خاک مالید!»، «اشغالگران امریکائی؛ جانوران وحشی اند، علیه آنان به پاخیزید!» (دری و پشتو)، «از اشغالگران روسی تا اشغالگران امریکائی؛ سه دهه جنایت و خیانت» (اعلامیه مشترک سازمان و ساما (ادامه دهندگان))، «لویه جرگه عنعنوی، نمادی از مادر فروشی خاینان»، «غار تگران، مردم را با بحران گرسنگی مواجه ساخته اند، علیه آنان بپاخیزیم!»، «با شعار مرگ بر امپریالیزم، هفتم اکتوبر» را تقبیح نمائیم! (اعلامیه مشترک با ساما (ادامه دهندگان))، «در لیبیا، استعمار خونینتر از استبداد عمل می کند»، «اوباما، ماسکی بر چهره خونریز امپریالیزم امریکا»، «اول می بر کارگران جهان مبارک باد!»، «با تحریم انتخابات، چپ منحرف را بی نقاب سازیم»، «سالروز تأسیس رود خروشان سازمان انقلابی افغانستان را گرامی می داریم»، «خون خلق زحمتکشان یکاوانگ را گرامی می داریم»، «خون سیدال سخندان، مشعل راه ماست»، «د بسوونکو توپانی اعتصاب، د لاس پوڅو ستراتیژیک تعهد ولرز او»، «مرگ بر رژیم سفاک ولایت فقیه»، «ادامه دهندگان گامی به جلو»، «با درفش سرخ پرولتری به پیشواز روز جهانی کارگر به پیش»، «به انتخابات زیر اشغال فقط «نه» بگوئیم»،

«در برابر اشغالگران (امریکائی ناتوئی)، دولت دست نشانده و جنگ ارتجاعی طالبان بایستیم!» (اعلامیه مشترک سازمان و ساما (ادامه دهندگان))، «هوادران رزمنده ما در مبارزه علیه استعمارگران و دشمنان توده ها ما را نیرو می بخشند»، «مبارزه برای استقلال، وظیفه مبرم چپ انقلابی است»، «رفیق پاغر؛ آرام بخواب، راهت ادامه دارد!»، «زنی که جاودانه شد!»، «مینا، راهت مشعل فروزان مبارزه خلق است»، «پیام سازمان انقلابی به مناسبت درگذشت رفیق حفیظ»، «رفیق فیض احمد، رهبر سترگ جنبش چپ» (دری و پشتو)، «پیام کنگره مؤسس سازمان انقلابی افغانستان» (دری و پشتو)، «یاد رفیق احمد، رهبر کبیر جنبش انقلابی کشور ما گرامی باد!» (پشتو و دری)، «یاد و خاطره شهدای راه رهایی زحمتکشان افغانستان را گرامی می داریم» و «ملگری مجید، د افغانستان د زیار کبسانو انقلابی لارښود».

برخی از این اعلامیه ها در «رنجبر» ارگان سیاسی حزب رنجبران ایران و «توفان» ارگان سیاسی حزب کار ایران توفان و سایت های مختلف به نشر رسیده است، که نمایانگر موضعگیری درست و انقلابی سازمان ما می باشد.

۲ - کار تشکیلاتی: سازمان انقلابی افغانستان معتقد است که فقط با راه اندازی جنگ خلق می توان کشور را از چنگال خونین امپریالیست ها رها ساخت و بر هر نوع ستم و تعدی غلبه حاصل کرد. از این رو سازمان ما تا راه اندازی چنین جنگی که منوط به فراهم شدن شرایط ذهنی و عینی می باشد، باید آمادگی های لازم را بگیرد. نقش تشکیلات منضبط، انقلابی، پیگیر و انقلابی در این میان از اهمیت فراوان برخوردار است. سازمان ما در چند سال گذشته تلاش نموده به کار گسترش تشکیلاتی میان انقلابیون پیشرو بپردازد تا پایه های سازمان را مستحکمتر گسترش دهد.

از آنجائی که سازمان ما در میان گرگان امپریالیست مبارزه می کند و یک سازمان مخفی است، نمی توان کار تشکیلاتی سازمان را با جزئیات بیشتر بیان کرد، با وجودی که ما دستاوردها و موفقیت های خود را ایده آل نمی دانیم، اما افتخار داریم که با سرافرازی، تعهدی را که در راه رهایی خلق زحمتکش داده ایم، از آن عقب ننشسته ایم و با کار منسجم تشکیلاتی در این راستا گام گذاشته ایم.

در بیش از چهار سال گذشته رشد کیفی سازمان در رأس کار تشکیلاتی قرار داشت. سازمان، مبارزه ایدیولوژیک سالم و سازنده را حدت بیشتر بخشیده تا رفقاء در این پروسه افکار خرده بورژوا مابانه شان را به دور بیندازند و به رسالت شان منحصی اعضای یک سازمان بلشویکی بیش از پیش توجه نمایند. سازمان در این مدت روابط تشکیلاتی اش را گسترش بیشتر داد و کمیته های ولایتی بیشتر را ایجاد کرد (کمیته های ولایتی سازمان نیاز به انسجام بیشتر دارند تا به شکل منظم در فعالیت های تشکیلاتی ولایتی سهم گرفته، کار سازمان را غنای بیشتر ببخشند).

با وجودی که برنامه آموزشی کوتاه مدت و درازمدت تهیه شده است، اما نیاز دیده می شود که سطح تیوریک رفقاء بیش از پیش بالا برده شود (به خصوص با کار منسجم در کمیته های ولایتی سازمان)، چون ما باور داریم که بدون آگاهی انقلابی و مارکسیستی ممکن نیست سازمان را در راه اصولی و انقلابی رهبری نمود و از انحرافات ایدیولوژیک و سیاسی سازمان جلوگیری کرد. از این رو با در نظر داشت تجربه این مدت، کمیته مرکزی سازمان به این باور است که رفقاء باید بیش از پیش در این راستا با برنامه منسجم و منظم، با مطالعه آثار مارکسیستی و سایر نوشته های مفید تحقیقی تلاش نمایند و جنبش بلند بردن سطح تیوریک را در تمام حوزه های تشکیلاتی و آموزشی سازمان راه اندازی نمایند.

پنهانکاری که در حال حاضر یکی از اصول اساسی تشکیلاتی سازمان ما به شمار می رود، به طور کلی خوب رعایت شده است و هیچ اشتباه جدی در زمینه رخ نداده است، با وجودی که اپورتونیست های «چپ» اینجا و آنجا مثل سابق، دسترخوان افشاگری شان را در مورد سازمان ما هموار می کنند. سازمان با تجربه دریافته است که در این زمینه نباید

برخورد لیبرالیستی صورت بگیرد و استفاده از شرایط علنی با کار مخفی سازمان باید با دقت لازم بررسی و اجراء شود.

سازمان ما در «گزارش نخستین کنفرانس کنگره مؤسس سازمان انقلابی افغانستان» نوشت که «سازمان ما با اعتقاد و باور کمونیستی به برابری کامل زن و مرد و نفرت استفاده ابزاری از زن، در دو سال گذشته در کار میان زنان ناموفق بوده و با درسگیری از این ناموفقیت، قرار شد در دو سال آینده اقدامات جدی تری درین راستا صورت گیرد.» سازمان در این مدت تلاش کرد تا کار انقلابی در میان دختران و زنان را بیشتر گسترش بدهد و موفقیت هائی به دست آورد، ولی این مسأله هنوز یکی از مسائل مهم است که رفقاء باید به آن توجه جدی نمایند. ما می پذیریم که برخورد کاسبکارانه و استفاده ابزاری از زنان و دختران به وسیله «چپ»های مدالگیر، اعتماد این دختران را بر تشکلات انقلابی شدیداً ضربه زده است تا جائی که از سیاست متنفر شده اند، اما این دشواری نباید سبب عدم کار تشکیلاتی و سازمانی میان زنان و دختران شود. سازمان ما وظیفه دارد که با حقانیت تشکیلاتی و سیاسی اش زنان را دوباره به کاروان مبارزه سوق دهد.

۳. کار دموکراتیک: مارکسیست ها در کنار کار سوسیالیستی کار دموکراتیک را نیز عمده دانسته، کاری که در نهایت به انقلاب پرولتری خدمت می کند. این که کار دموکراتیک چیست و چگونه به کار سوسیالیستی کمک می کند، نزد بعضی از مدعیان مارکسیزم وطنی ما وارونه به کار گرفته می شود و حتی «کار دموکراتیک» را آگاهانه نقابی برای انحراف و خیانت به مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون قرار می دهند و به تجاوز و اشغال کمک می کنند.

کار دموکراتیک ابزار سیاسی است که با گستره وسیعتری در خدمت کار ایدیولوژیک قرار می گیرد، اما در ظاهر با زبان غیر مارکسیستی و عدم کاربرد اصطلاحات و نقل قول های کمونیستی به پیش برده می شود. کمونیست ها با این کار قادرند که عقاید و نظرات خود را در میان توده های بیشتری ببرند که عموماً به گونه کار تبلیغی از آن استفاده صورت می گیرد. کار دموکراتیک با این که به تضاد عمده در هر دوره خدمت می کند، کمونیست ها می توانند در این گستره به شایسته ترین افرادی دست یابند و آنان را به صفوف حزب جذب نمایند.

به همین منظور سازمان ما کار دموکراتیک را در خدمت کار سوسیالیستی قرار داده، تلاش دارد تا از یک طرف سیاست هایش را میان توده ها ببرد و از طرف دیگر با آنان پیوند فشرده پیدا کرده، پیشروترین آنان را به نهاد های دموکراتیک خود جذب نموده و بعد در سازمان به کار انقلابی سوق دهد.

سازمان ما در بیش از چهار سال گذشته، با استفاده از شرایط علنی و با در نظر داشت اصول پنهانکاری و با امکانات محدود، در کار دموکراتیک انقلابی مستثنی بوده است، زیرا یک عده کار دموکراتیک را «دام و دانه» دانسته، اصل لنینی تلفیق کار علنی با کار مخفی را به بوته فراموشی سپرده، به جای آن در کنفرانس های ژنیو و لندن و برلین بر خوان انجوبازی، دانه چیده و عده دیگر، کار دموکراتیک را تا سطح جایزه گرفتن از امپریالیست ها، شانه به شانه خرامیدن در قصر سفید، دق الباب کردن سفارت ها، انجوبازی و... پائین آورده است.

سازمان ما با نشرات دموکراتیک در سطوح گوناگون سیاست های مارکسیستی و موضع گیری انقلابی اش را با زبان و شعارهای دموکراتیک بیان داشته است، که با تأسف در این کار یکه و تنها بوده است.

برای سازماندهی توده ها و حرکت های آتی توده ای، سازمان پایه ای تأسیس شد که در حال حاضر در حالت جنینی قرار داشته، توسعه و گسترش آن منوط و مربوط به توسعه و گسترش کار سازمان به ساحات گوناگون زندگی مردم و توده ها و فعالیت بیشتر کادرهای محلی سازمان می شود. رفقای سازمان باید گسترش و توسعه این نهاد پایه ای را منحیث وظیفه سازمانی در نظر داشته، از هیچ نوع تلاش برای این مأمول دریغ نورزند، زیرا سازمان از طریق چنین

نهادهایی می تواند میان توده های نادار و فقیر که چرخ محرکه انقلاب دموکراتیک نوین را می سازند، کار نموده، با آنان پیوند فشرده پیدا کرده، بهترین کادرها را از میان آنان تشخیص نموده و سازمان را به سوی پرولتریزه شدن ببرد. سازمان ساحه کار دموکراتیک خود را در تجلیل های مناسب، حرکت های محصلی و اکسیون های توده ئی نیز گسترش داده و این امر باید بیش از پیش گسترش بیابد، البته ما به هیچ صورت طرفدار راه اندازی حرکت های دموکراتیکی نیستیم که تمام شرکت کنندگان آن اعضای سازمان خود ما باشند، این کار می تواند سازمان را زیر ضربات شدید امنیتی - اگر در حال حاضر نه، در آینده - قرار دهد. در همین حال سازمان ما توجه داشته است که کار دموکراتیک و تبلیغات دموکراتیک با محتوای تشکیلاتی پیوند دیالکتیکی داشته باشد. تبلیغات بیش از حد با محتوای ضعیف تشکیلاتی، نه تنها برای کار توده ئی سودمند نیست، که گاه می تواند امیدهای مردم را به یأس مبدل نماید. ما حتی الوسع تلاش کرده ایم که از ماجراجویی در کار دموکراتیک پرهیز کنیم، اگر اینجا و آنجا ماجراجویی احتمالی صورت گرفته باشد، اصول کار دموکراتیک سازمان نبوده، حتماً با انگشت گذاردن رفاء قبل از آغاز، پایان یافته تلقی شده یا از آن جمع بندی صورت گرفته است.

سازمان ما با استفاده از سایت های ضد امپریالیستی از تبلیغ سیاست هایش نیز خودداری نکرده است. رفقای ما در این مدت از طرق مختلف در این سایت ها، نظرات سازمان را به شکلی از اشکال انتقال داده که در ایجاد فکر جدید نقش خوبی داشته است، اما این کار به هیچ صورت کافی نبوده، تمام رفقای سازمان در حد توان و امکانات شان مکلف هستند از مناطق کاری شان گزارش تهیه نموده، مطلب بنویسند، عکس تهیه کنند و امپریالیست ها، دولت پوشالی، جهادی ها، طالبان و تمام دشمنان توده ها را افشاء سازند. ما در اینجا از سایت های مشخصی که در انعکاس سیاست های سازمان، در سطوح مختلف با ما همکاری و کمک کرده اند، رفیقانه سپاسگزاری می نمایم. کار دموکراتیک مخفی سازمان نیز به شکلی از اشکال صورت گرفته است، که اثرگذاری های معینی داشته است و با در نظر داشت شرایط فعالیت و مبارزه رفاء، پس از بررسی های لازم کمیته های ولایتی و با مشوره مرکزیت سازمان باید این سلسله وقتاً فوقتاً ادامه پیدا کند.

۴- کار فرهنگی: سازمان ما مبارزه فرهنگی را جزئی از فعالیت هایش می داند و به آن اهمیت فراوان قائل است. با وجود امکانات محدود سازمان، در این مدت تلاش صورت گرفته است که کارهای فرهنگی (به سطح سوسیالیستی و دموکراتیک) به شکلی از اشکال صورت بگیرد. سازمان از طریق انتشاراتش، تا حال هشت نوشته را بازتایپ و تکثیر کرده و ۱۹ نوشته را ترجمه نموده است، که در جنبش چپ ما بی سابقه است. در همین حال سازمان مجموعه های شعری و داستان هائی از جنایات دشمنان توده ها را به چاپ رسانده است. چاپ پوسترها و تهیه فلم های مستند نیز از جمله کارهای فرهنگی سازمان به شمار می روند.

اما اینها کافی نیست. سازمان ما باید کار فرهنگی را در جبهه های گوناگون وسعت ببخشد. رفقای ما باید در زمینه موسیقی انقلابی، نقاشی، عکس، گرافیک، دکلمه، مجسمه سازی، خوشنویسی، مستند سازی، وبلاگ نویسی، وب سایت سازی، تئاتر، شعر و ادبیات، و... استعدادهای نهان اعضا و هوادارانش را پیدا نموده، در شکوفائی آنها تلاش نماید، زیرا ما در این جبهه به طرز وحشتناکی از دشمن عقب هستیم.

۵- هواداران: سازمان در قسمتی از نامه ۲۵ اسد ۱۳۹۱ خود عنوانی هواداران خود نوشت: «هیچ افتخاری بالاتر از این نیست که رزمندگان زندان دیده، شکنجه شده و آنانی که اسطوره های مقاومت جنبش چپ ما هستند و از زندان های مخوف دژخیمان با سر بلند بیرون آمده اند، به حمایت از کار و مبارزه سازمانی بپردازند که هنوز چند سالی از فعالیت و مبارزه اش نمی گذرد. این حمایت نمایانگر مبارزه و پیکار اصولی سازمان انقلابی افغانستان است؛ سازمانی که به

گفته رفیق توخی «در درون چنبر آتشی که امپریالیزم جنایتکار امریکا و شرکاء درکشور ما افروخته، بی هیچ پشتوانه ای به غیر از اتکاء به مردم غیور و «دیوانه‌آزادی» شجاعانه می رزمند.»

دفاع از سیاست های اصولی سازمان، حمایت از کار و مبارزه ما، یاری رساندن، کمک و انعکاس فعالیت ها و سیاست های سازمان به وسیله هوادارن رزمنده ما، دستاوردی است که سازمان های کمی در جنبش چپ افغانستان توانسته اند به آن نائل گردند. ما به عنوان سازمان انقلابی به این همه کار و تلاش هواداران خود اهمیت بسزائی قائل هستیم و برداشتن هر قدم شان را در راستای تقویت مبارزه ما، نه از روی سفارش های مبتذل بورژوامیانه، بلکه بر اساس ارزش های کمونیستی، نیاز مبارزه خود می دانیم.»

ما از تک تک هواداران خود، چه در داخل کشور و چه در بیرون کشور که در بخش های مختلف (مادی و معنوی) کار و مبارزه ما را همکاری کرده اند، صمیمانه و رفیقانه ابراز سپاس می نمائیم. ما از رفیق توخی که کتاب خاطرات زندان خود را به سازمان ما اهداء کرده است، رفیقانه اظهار سپاس می نمائیم. اهدای این خاطرات، ما را به ادامه راه جانبختگان غیور جنبش چپ، مبارزان پیشرو راه استقلال و آزادی بیش از پیش متعهد می سازد و پیمان ما را در راه انقلاب و ایدئولوژی بیش از پیش صیقل می زند. ما از همکاری مادی و معنوی رفیق بشیر نی، رزمنده ای که سال ها در زندان پلچرخ دولت پوشالی سوسیال امپریالیزم شوروی، به جرم عشق به آزادی و مبارزه برای رهایی توده ها، بهترین دوران زندگی اش را سپری نمود و با استواری کوهگونش به دشمن خلق زحمتکش ما پوزخند زد، صمیمانه تشکر می کنیم. ما از رفیق رحیمه توخی برای اهدای کتاب خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخ به سازمان ما با این کلمات زیبا «اهداء به: سازمان انقلابی افغانستان، سازمان واقعاً انقلابی که از مردم در خون و آتش فرو برده شده شان لحظه ای هم دور نیستند، و بدون هیچ پشتوانه ای در زیر گلوئی امپریالیزم جنایتکار و غارتگر امریکا و شرکایش، با درایت و دلیری کم نظیری می رزمند. به آرزوی وحدت تمام انقلابی های واقعی و شجاع کشور با این سازمان رزمنده، و به آرزوی تکامل دیالکتیکی شان به حزب واقعاً کمونیست افغانستان (م.ل.م)» رفیقانه ممنویم. ما در نامه ای عنوانی این بانوی رزمنده نوشته ایم: «این کتاب از طرف خانم مبارز و رفیق قهرمانی اهداء می گردد که پشت دروازه زندان مخوف پلچرخ هشت سال مکمل با مشته های آهنین همسر زندانی اش گام های پولادینش را بر سنگفرش های خونین کابل کوبیده تا آهنگ آزادی را در مبارزه و انتقام، تعهد و باور بلندتر فریاد کند. اینها لحظه لحظه زندگی خانمی است که در وحشتکده «حزب دموکراتیک خلق» و خادیسست های جلا، ستمگری و نفرت و مبارزه و عشق را بیان می کند و به ما حماسه مقاومت می آموزاند... این کتاب در حالی به سازمان انقلابی افغانستان اهداء می شود، که زنان کشور ما در آتش ستم های گوناگون امپریالیست ها می سوزند و قربانی می دهند، اما ده ها زن سرکاری دیگر بر آستان قصر سفید جورج بوش و اوباما، خون آنان را به بوتل کشیده، جایزه های شان را با آن رنگین می سازند. ما اهدای این کتاب را در چنین وضعیتی، افتخار سازمان خود دانسته، آن را «حماسه مقاومت» بیرون از زندان خوانده، به وجود چنین مبارزی در میان زنان رزمنده کشور خود افتخار می کنیم و بدون شک هواداری و سمپاتی این بانوی رزمنده از کار و پیکار ما، مایه غرور انقلابی ماست!»

در همین حال از رفیق سوما کاویانی به خاطر توزیع کتاب «تاریخ، نبرد طبقاتی» در اروپا و در دسترس قرار دادن آن به رفقای ایرانی به خصوص رفیق اشرف دهقانی، صمیمانه متشکریم. ما نمی توانیم از همکاری های بی دریغ رفیق نسرين معروفی، مبارز عزیز خلیل الله معروفی، داکتر میر عبدالرحیم عزیز و سید حسین موسوی در اینجا یادآوری نکنیم.

با در نظر داشت اهمیت کار هواداران، سازمان ما وظیفه دارد تا دایره هوادارانش را وسعت بیشتر بخشیده، به کار و کمک های تک تک آنان احترام گذاشته؛ از انرژی، وقت، استعداد، فرصت و قلم شان در راستای رهایی خلق استفاده

اعظمی نماید. رفقای ما وظیفه دارند در محلات کاری شان به این امر توجه خاص نموده و از سیاست فرسوده «اپورتونیست های منحرف» مبنی بر تخریب آنانی که - با ما یک قدم بر می دارند و دومی را برداشته نمی توانند - جداً پرهیز کنند.

۶. ارتباطات: ما به حیث جزئی از جنبش چپ افغانستان و جنبش کمونیستی جهان، نیاز به ارتباطات نزدیک و رفیقانه با افراد و سایر گروه ها، سازمان ها و احزاب چپ و کمونیستی داریم. با در نظر داشت همین سیاست، سازمان ما تلاش کرده است تا روابطش را در سطوح مختلف با جریانات گوناگون حفظ کند. در این میان ما با رفقای «سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان) در روابط بسیار نزدیک قرار داریم که تا حال چندین نشست مشترک و اعلامیه های مشترک محصول آن است. ما «سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان» را از لحاظ فکری به خود بسیار نزدیک می دانیم. در همین حال با رفقای حزب کار ایران (توفان) و حزب رنجبران ایران روابط رفیقانه داریم که این دو حزب، تا حال چندین اعلامیه سازمان را در نشرات شان به چاپ رسانده اند.

اما این کافی نیست، ما باید اسناد تیوریک و سیاسی خود را به زبان های خارجی ترجمه کنیم تا بتوانیم روابط خود را با کمونیست های انقلابی جهان بیش از پیش گسترش دهیم. سازمان ما ضمن این که بر بازوان ستبر توده ها، بر کار و پیکار اعضاء و حمایت هواداران خود باور دارد، اما حمایت کمونیستها در سراسر جهان از کار و مبارزه ما، برای پیشبرد مبارزه ما اهمیت فراوان دارد.

۷. کار مالی: سازمان انقلابی افغانستان با افتخار اعلام می دارد که در این مدت رسم بلشویکی کار مالی را رعایت نموده و گردن فراز رفقای سازمان را به پای هیچ دونر اشغالگر خم نکرده است. رفقای سازمان علاوه بر تأمین زندگی روزانه، با پرداخت حق العضویت و اعانه به تمام خواست های مصرفی سازمان پاسخ مثبت داده اند.

سازمان ما در جزوه «مسئله مالی؛ بحث مهم ایدیولوژیک» نوشته است: «سازمان انقلابی افغانستان پرداخت حق العضویت را یکی از معیارهای مهم و اساسی عضویت در سازمان دانسته، کسی که قسمتی از وجوه شخصی اش (حق العضویت) را برای پیشبرد کار سازمانی که از آن طریق به اهداف ایدیولوژیکش می رسد، اختصاص ندهد، هر چند در زمینه های دیگر فعال باشد، نمی تواند به عنوان عضو جدی برای سازمان مطرح گردد.

معنای حق العضویت جز از خودگذری مادی از سوی اعضای یک سازمان انقلابی در راه آرمان های انقلابی، چیز دیگری نیست. این از خودگذری زمانی معنای واقعی پیدا می کند که عضو سازمان، پول حق العضویت را از زحمتکشی خود و از دل و جان به سازمانش ببخشد.»

در قسمت دیگر این نوشته آمده است: «... به این خاطر سازمان های بلشویکی پرداخت حق العضویت را یکی از معیارهای انقلابی و غیر انقلابی شان قرار می دهند. وقتی عضوی از تشکیلات می بیند که سازمانش از یک طرف پولی ندارد و از سوی دیگر باید مصارفی جهت تقویت سازمان صورت گیرد و با آنهم حق العضویتش را نپردازد، باید دو مفهوم را در ذهن تداعی نماید: یا باید با چشمک به خیانت و خودفروشی انتظار پول گرفتن از امپریالیست ها را داشته باشد و یا بر پیشبرد کار سازمان خط بطلان بکشد. به اینصورت می بینیم که پرداخت و نپرداخت حق العضویت گاه چنان سرنوشت ساز می گردد که خط انقلاب و ضد انقلاب را پیش پای یک سازمان و یا یک فرد انقلابی، سرخ ترسیم می نماید.»

با در نظر داشت اهمیت حق العضویت ها برای تقویة بنیه مالی سازمان، رفقاء باید این مسأله را با توضیح بیشتر و دایمی در حوزه های آموزشی مورد بحث قرار داده و توجه بیشتر رفقاء را در زمینه جلب نمایند. زیرا سازمان ما جز حق العضویت، اعانه های رفیقانه و کمک هواداران خود، هیچ منبع دیگری برای تمویل ندارد، در حالی که کارهای بسیار مهم نشراتی، دیدارها، کمک به خانواده رفقاء و... را پیش رو دارد.

- جزئیات حق العضویت ها، اعانه ها، کمک های هواداران، فروش کتب، سایر عواید از کار رفقاء، مصارف و... به طور شفاهی به شرکت کنندگان کنگره ارائه گردید. ارائه گزارش مسایل مالی سازمان نشان داد که وقتی یک سازمان انقلابی، مسایل مالی را با شفافیت تمام با رفقای خود شریک می سازد و حساب هر پولی را به آنان گزارش می دهد که سازمان به مصرف رسانده یا به دست آورده است، این مسأله روحیه اعتماد را تقویت نموده و باور تمام اعضاء را بر سازمان بیشتر می سازد. -

به پیش شماره چهارم (ارگان تیوریک - سیاسی سازمان انقلابی افغانستان)

بخش دوم